

فرآیند خصوصی سازی در صنعت بیمه

رهایی بیمه، اسارت تعرفه

با اهداف بلند مدت، منافع خود را در تهدید تحرکات کوتاه مدت قرار نخواهد داد. در این راستا، ضرورت متنوع سازی در بورس برای پذیرش صنعت بیمه از اهمیت بالایی برخوردار است، چرا که حضور این شرکت‌ها می‌تواند به رونق بازار سرمایه کمک کند و در کنار آن باعث شفافیت شرکت‌های موجود در بورس - به طور خاص بیمه‌ها - شود و امکانات رقابتی را برای حضور شرکت‌ها فراهم کند.

بیمه در افق ۱۴۰۴

صنعت بیمه در افق ۱۴۰۴ به دلیل توسعه اقتصاد به عنوان یک پیش نیاز عمل می‌کند. این تأثیر از دو بخش قابل توجه است. اول، توسعه خود صنعت بیمه در افق ۱۴۰۴ که موضوع مهمی است. دوم، ضرورت تضمین سایر صنایع و اقتصاد ارتقا یافته ایران در ۱۵ سال آینده است. اگر کشور بتواند در افق مذکور به رتبه اول دست یابد، حجم اقتصاد ایران باید به رقمی بسیار فراتر از ارقام کنونی برسد که البته این امر نیازمند ثبات و امنیت در همه اجزای تأثیرگذار بر متغیرهای اقتصادی است. سرمایه‌گذاری‌های جدید در صنعت بیمه و تأکید بر دانش محوری برای کسب مزیت‌های رقابتی جدید با توجه به زمان اندک باقیمانده و حرکت‌های نسبتاً آرام در این حوزه یک ضرورت محسوب می‌شود. در این راستا، فعالیت‌هایی که در سال گذشته توسط کارگروه تحول در صنعت بیمه با تکیه بر مسایلی همچون افزایش سطح ضریب نفوذ بیمه در کشور به رقمی بالاتر از سطح جهانی و رقابتی و حرفه‌ای شدن صنعت بیمه صورت گرفته‌اند، نوید بخش روزهای روشنی برای این صنعت خواهند بود.

مواردی همچون گسترش بیمه‌های خرد با قیمت‌های ارزان برای خانواده، گسترش بیمه‌های کلان در سطح بنگاه‌ها و گسترش منطقه‌ای و بین‌المللی، سه راهکار عمده این موضوع هستند که هر کدام را می‌توان به اجزای آنان تقسیم کرد و مورد ارزشیابی قرار داد. به این منظور لازم است در عین حال که انواع بیمه‌ها گسترش می‌یابند، هر نوع بیمه به صورت عمقی مورد ارزیابی قرار گیرد. مثلاً سرمایه‌های اقتصادی و دارایی‌های موجود در بخش‌های مختلف اقتصادی، بیمه شوند، صاحبان سرمایه به بیمه کردن منابع سرمایه‌ای خود ترغیب شوند، توسعه بیمه‌های خرد مانند عمر و پس‌انداز در اولویت کاری شرکت‌های بیمه‌ای قرار گیرد، کاهش هزینه‌های حق بیمه با رعایت اصول، زمینه ساز حضور همه جانبه و عمومی مردم باشد، توسعه بیمه‌های کلان مثل نفت، گاز، پتروشیمی، کارخانجات و نیروگاه‌ها (البته بعد از خصوصی شدن آنها که دست شرکت‌های دولتی را از بیمه انحصاری آنان کوتاه می‌کند) در دستور باشد، توزیع ریسک اتکایی پوشش‌های بیمه‌ای در منطقه اهمیت داده شود و در نهایت، تحقیق و توسعه و برآورد هزینه رشته‌های جدید عملیاتی و تقویت مشتری مداری فراموش نشود. ■

آزاد سازی تعرفه‌ها حلقه مفقوده زنجیره‌ای است که به خصوصی سازی منجر می‌شود، اما هنوز این مکانیزم تحت سلطه دولت است.

رقابتی بر اساس شرایط موجود افزایش می‌دهد و مانند هر بازار رقابتی دیگر، به ایجاد شرکت‌های قدرتمند و حلف یا اصلاح ساختاری شرکت‌های ناتوان منجر می‌شود. این روش مناسبی نمی‌باشد که بیمه مرکزی نرخ را به عنوان نرخ کف تعرفه تعیین کند و به صورت سیستمی کنترلی اعمال شود و فروش بیمه‌ها به قیمتی پایین‌تر ممنوع باشد. البته این مهم در حال پیاده سازی است و در مباحثی همچون بیمه بازرسی و آتش سوزی و بیمه بلنه به موفقیت‌هایی در این زمینه دست یافته‌ایم.

باید گفت روند کنونی در راستای آزاد سازی تعرفه‌ها در کشور ما روند قابل قبولی است و در راستای تجربیات موفق کشورهای دنیا نظیر هند و روسیه، این سبک آزاد سازی تدریجی مؤثر خواهد



بود. در برخی کشورها مانند ترکیه که به آزاد سازی آبی دست زده‌اند، صنعت با چالش‌های جدی مانند حذف و ورشکستگی و ادغام بسیاری از شرکت‌ها مواجه شده است. البته در هر لحظه از آزاد سازی تعرفه‌ها باید اول تبعات آزاد سازی شناسایی شوند و بعد اقدام شود تا بعدها اثرات غیرقابل جبرانی بر جای نماند. به عبارتی، نباید شرکت‌ها در دامنه گسترده‌ای بدون کار کارشناسی شده اقدام به آزاد سازی کنند و این امر باید با برقراری نسبت بین میزان خسارات پرداختی در سال‌های قبل و ملاحظه نسبت‌های معقول صورت پذیرد. نکته مهم در این راستا آن است که آزاد سازی فرآیندی است که باید به اهدافی منجر شود و خود آزاد سازی مد نظر نیست. باید آزاد سازی به توانگری شرکت بیمه منجر شود، نه به نابودی آن! باید به ثبات بیمه بی‌انجامد، نه این که صنعت را با تزلزل و نوسان همراه کند. از طرف دیگر، در جریان رقابت ممکن است برخی موارد غیراخلاقی هم بروز کنند که جنگ قیمتی و دامپینگ از مهمترین این موارد هستند. در این شرایط، بیمه مرکزی باید به عنوان متولی امر نظارت بر کیفیت فعالیت‌های بیمه‌گران و موضوعات محوری صنعت عمل کند. البته همواره مواردی از این قبیل را باید در شرکت‌هایی جست‌وجو کرد که از تفکرات بلند مدت به دور هستند، وگرنه یک بنگاه اقتصادی

بیمه به تحول نیاز دارد و باید با ایجاد تعادل در همه انواع بیمه‌ها و در راستای اصل ۴۴ مشکلات را دید. منطق بخش خصوصی، سود را در فعالیت‌های بیمه‌ای افزایش می‌دهد، هزینه‌ها را به حداقل می‌رساند، بهره‌وری را بالا می‌برد و اجازه نمی‌دهد امکانات به هدر روند. با همه این احوال، هنوز در راستای توسعه بخش خصوصی در صنعت بیمه

با چالش‌هایی مواجه هستیم. طبق نظرات کارشناسان صنعت بیمه، چالش‌های حوزه مالی، مهمترین این چالش‌ها محسوب می‌شوند که مانع اصلی واگذاری شرکت‌های دولتی هستند. مثلاً مواردی همچون عدم شفافیت کامل صورت‌های مالی، عدم کفایت کنترل‌های داخلی، عدم کفایت منابع مالی، بالا بودن قیمت تمام شده خدمات مالی، عدم هماهنگی در تهیه و تنظیم بودجه و شمول قوانین و مقررات مالی متعدد، از چالش‌هایی هستند که سازمان بازرسی کل کشور به عنوان مواع و واگذاری شرکت‌های بیمه‌ای دولتی به بخش خصوصی اعلام کرده است.

مشکلات این حوزه را بیشتر باید در دلایلی همچون فقدان نظام نظارتی اثربخش، وضعیت سیستم‌های کنترل داخلی، مکانیزه نبودن عملیات حسابداری به صورت کامل و عدم استفاده کارآمد از رایانه، عدم تقویت نظام و انضباط مالی و تغییر دیدگاه مدیران به حوزه مالی جست‌وجو کرد. در رابطه با موضوع خصوصی سازی شرکت‌های بیمه، نکته‌ای که محل بحث کارشناسان و محور بررسی است، حرکت به سمت آزاد سازی تعرفه‌ها است. نظام تعرفه‌ای به دلیل دستوری بودن آن، راه را برای مطالعه علمی و بررسی شرایط از شرکت بیمه‌ای سلب می‌کند و اجازه نمی‌دهد خلاقیت‌های این شرکت‌ها ظهور کرده و روش‌های جدید خلق شوند.

در این راستا لازم است آزاد سازی به عنوان مکمل خصوصی سازی در دستور کار قرار بگیرد و تعیین نرخ رشته فعالیت‌های مختلف بیمه‌ای، به خود شرکت‌های بیمه در شرایط رقابتی یکسان واگذار شود. این امر توان و انگیزه شرکت‌های خصوصی را برای تعیین نرخ‌های